

کارگر

روایتی از وضعیت کارگران و کارفرمایان آجرپزخانه‌های قاسم آباد تهران

قصه خشت‌ها و زندگی آجری

گزارش

کوره‌پزخانه‌های قاسم آباد خاورشهر تهران در فاصله ۱۱ کیلومتری از جنوب شرق پایتخت در حالی ده‌ها خانوار را در دل خود جای داده که از روی فقر و ناچاری در اتاقک‌های خشتنی اطراف کوره‌ها کارگری می‌کنند. در گذشته این منطقه ۱۵ کوره فعال داشت که در حال حاضر به هفت کوره رسیده است و به گفته صاحبان این کوره‌ها، دیگر ارزش نگهداری ندارد و سودآور نیست. در کوره‌پزخانه‌ها دو نوع کارگر مشغول به کار هستند؛ کارگران فصلی که همراه با خانواده‌های‌شان خشت تولید می‌کنند و کارگران دائمی که این خشت‌ها را تبدیل به آجر می‌کنند. برخی کارگران فصلی بعد از فصل کار به شهر خود کوچ می‌کنند، اما کارگران دائمی در تمام سال در کنار کوره‌ها هستند و با مشکلات زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. مشکل قدیمی این کارگران بهداشت، بیمه، درمان و سوءاستفاده از این خانواده‌ها از اتباع افغانستان و نیمی دیگر از مشهد، گرگان و شهرهای هم‌مرز با افغانستان هستند. در تابستان‌ها زن، مرد و کودک در کوره‌ها کار می‌کنند، خشت می‌زنند و آجر می‌پزند. زمستان‌ها هم وقتی کوره‌ها خاموشند همانجا زندگی می‌کنند؛ ضایعات جمع می‌کنند، کارگری می‌کنند و با کمک خیرین روزگار می‌گذرانند که اگر کمک خیرین به این کارگران نباشد، معاش آنها به خطر می‌افتد.



روزنامه‌نگار

فضای آلونک‌ها و اتاق‌های بی‌دریونچره که با پتو یا پلاستیک پوشانده شده بسیار نامناسب و فاقد وسایل گرمایشی و تهویه است. در این فصل از سال برای گرم کردن اتاق‌ها از پیک‌نیک و المنت استفاده می‌شود که خطرات زیادی به دنبال دارد. آنان برای هر اتاق ماهیانه یک میلیون تومان باید به صاحبان کوره‌ها اجاره پرداخت کنند. ساکنان این روستا از داشتن آب شرب شهری نیز محروم هستند و با تانکر برای اهالی روستا آب برده می‌شود. تا چند وقت گذشته هم تنها یک حمام و سرویس بهداشتی برای ۳۰ خانوار وجود داشت که مجهز هم نبود، اما اخیراً به کمک خیرین حامی عمومی در حال ساخت است.

علی یکی از کارگران این روستا که از اهالی تایباد است در مورد وضعیت زندگی و کار خود می‌گوید: «از ماه اردیبهشت تا مهر ماه که کوره‌ها فعالند، وضع ما بهتر است و با همه اعضای خانواده در طول شبانه‌روز ۱۷ ساعت کار می‌کنیم، اما در پاییز و زمستان درآمدمان از جمع‌آوری ضایعات است که اکنون دیگر آن را هم نداریم.» او در مورد مهاجرتش نیز می‌گوید: «اینجاوضع زندگی ما بهتر است. در تایباد خشکسالی بود، وضع خیلی خراب شده بود و ما هیچ چیزی نداشتیم و به امید کار به تهران آمدیم. کارگران فصلی معمولاً مشکل بیمه دارند. مثلاً خود من بیمه‌شده هستم اما همسر و بچه‌هایم که پایه‌پای ما کار می‌کنند، توسط صاحبکار بیمه نمی‌شوند! اگر روزی، صاحبکارمان بفهمد اسم خود را به بازرس سازمان تأمین اجتماعی داده‌ایم، بلافاصله اخراج‌مان می‌کند. همین چند ماه پیش یکی از همکارانم اسمش را به یکی از اعضای شورای کارگری داده بود تا بیمه شود اما ارباب اخراجش کرد. به همین خاطر هر وقت بازرس تأمین اجتماعی می‌آید طبق خواسته ارباب، آنهاپی که بیمه نیستند، فرار می‌کنند و یا مخفی می‌شوند.»

رحیم که از دیگران سابقه بیشتری دارد نیز می‌گوید: «کارگران کوره‌پزخانه به لحاظ بیمه دچار مشکل جدی هستند. خود من از روزی که در کوره‌پزخانه مشغول کار شدم تا امروز به یاد ندارم که حتی یکی از کارگران این بخش بازنشسته تأمین اجتماعی شود؛ چون کارفرمایان لیست بیمه را به موقع و کامل رد نمی‌کنند. مثلاً در سال برای کارگر ما حدود سه ماه بیمه رد می‌کنند، به این بهانه که کارگر فصلی هستی و همسر و فرزندان کارگر را که از صبح تا شب کار می‌کنند، بیمه نمی‌کنند. کارفرماها می‌گویند فقط سرپرست خانواده را بیمه می‌کنیم، در حالی که طبق توافقاتی که داشتیم باید همه اعضای خانواده بیمه شوند.» فهمیدن اینکه کارگران بیمه هستند یا نه چندان کار سختی نیست و با پرس‌وجو از چند کارگر و حرف‌های ضدونقیض آنها در مورد بیمه و ترس آنها از گفتن واقعیت، می‌توان به واقعیت پی برد. هنگام گفت‌وگو با کارگران رییس کوره یا همان ارباب نگاهش را از ما بر نمی‌دارد تا مبادا کارگر چیزی بگوید که به ضرر کارفرما تمام شود.

تمام کارگران ایرانی و افغانی بیمه می‌شوند

رضا ثابت‌نو یکی از صاحبان کوره‌ها می‌گوید: «ما تمام کارگران فصلی حتی کارگران افغان و اتباع را در دوران کار بیمه می‌کنیم. برخی رسانه‌ها داستان‌های عجیبی از خود درست می‌کنند. هیچ کوره‌پزی برده‌داری نمی‌کند. کارگر مادامی که کار می‌کند، بیمه می‌شود. ما مخالف کار بچه‌ها هستیم و می‌گوییم بچه‌های تان را پای کار نیاورید، اما خود کارگران می‌گویند ما خانواده‌ای کار می‌کنیم و



مشکلات جدیدی پیدا می‌کنند.» در این بین بی‌بهره بودن کارگران از مقرری بیمه بیکاری به فقر و تبعات آن و انواع آسیب‌های جسمی و روحی نیز منجر می‌شود. ترس از بی‌خانمان شدن و گرفتن مبلغی بیشتر به جای بیمه شدن و نبود آگاهی و سواد از داشتن مواهب بیمه موجب شده تا بسیاری از این کارگران با کارفرمایان در بازرسی‌های صورت گرفته از سوی بازرسان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و همچنین سازمان تأمین اجتماعی همکاری کرده و خود را بیمه‌شده نشان دهند.

محرومیت؛ علت اصلی مهاجرت

محرومیت در شهرها و بیکاری روستاییان و مهاجرت آنان علت اصلی استیصال کارگران این کوره‌هاست؛ چراکه اگر در شهر و دیار خود وضعیت شغلی مناسبی داشتند به حاشیه تهران مهاجرت نمی‌کردند. کارگران ایرانی و افغان ساکن این منطقه با اینکه از شرایط بهداشتی و درمانی و بیمه‌ای و حمایت‌های اجتماعی بی‌بهره‌اند، اما از وضعیت فعلی خود نسبت به قبل رضایت بیشتری دارند و خشکسالی و بیکاری را علت اصلی مهاجرت خود می‌دانند. بررسی زندگی کارگران کوره‌پزخانه‌های اطراف تهران نشان می‌دهد نمی‌توان تمام مشکلات ساکنان این مناطق را به گردن صاحبان کوره‌ها و ارباب‌ها انداخت. کارگران برای کسب درآمد از شهر و روستاهای خود به این بخش از پایتخت آمده و مالکان کوره‌ها برای اسکان آنها، اتاق‌هایی کنار کوره ساخته و برای استراحت به آنها داده‌اند تا از اعضای خانواده دور نباشند. حالا هم که کوره‌پزخانه‌ها تعطیل شده‌اند، کارگرها مانده و قصدی برای بازگشت به دیارشان ندارند. بازرسان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی هم به کسرات مراجعه می‌کنند و کارفرمایان بیکاری، کم‌رونقی، غیرفعال بودن کوره‌ها و فصلی بودن کارگران را علت بیمه نکردن آنها عنوان می‌کنند. در آخر خشکسالی، بیکاری، فقر و محرومیت برخی شهرها و روستاهاست که ساکنان آن زندگی در این آلونک‌های بی‌دروپیکر در آلوده‌ترین و محروم‌ترین نقطه تهران را به آن ترجیح می‌دهند. و این قصه فراموش شده خشت‌ها و تنور داغ فقر کارگران در میدانگاه کوره‌هاست که همچنان ادامه دارد...



هم که به سازمان تأمین اجتماعی داریم این بازرسی‌ها تشدید خواهد شد.»

کاری که به صرفه هم نیست!

برخی برآوردها نشان می‌دهد ۱۱۰ کوره آجرپزی در اطراف شهر تهران فعال بوده که بیشترشان خاموش شده‌اند. عده‌ای از مسئولان تعداد کوره‌ها را بیش از این و برخی، کمتر عنوان می‌کنند. ۳۰ کوره آجرپزی نیز در نقاط مختلف پایتخت فعال است. در مناطق اطراف تهران، بیشتر کوره‌های آجرپزی یا تعطیل شده‌اند یا ظرفیت تولید را به کمتر از نصف رسانده‌اند. رکود بازار ساخت‌وساز و افزایش قیمت حامل‌های انرژی و کم شدن تقاضا برای استفاده از آجرهای سنتی در کار ساختمانی و روی آوردن به آجرهای سفالی موجب نیمه‌تعطیل و یا تعطیل شدن بیشتر واحدهای آجرپزی شده و بیکاری بیش از ۲هزار کارگر فصلی و دائمی طی چندین سال گذشته در کوره‌پزخانه‌های اطراف تهران را رقم زده و مالکان کوره‌ها می‌گویند دیگر ادامه فعالیت برای ما به صرفه نیست.



کارگران کوره‌پزخانه‌ها به لحاظ بیمه دچار مشکل جدی هستند. خود من از روزی که در کوره‌پزخانه مشغول به کار شدم تا امروز به یاد ندارم که حتی یکی از کارگران این بخش بازنشسته تأمین اجتماعی شود؛ چون کارفرمایان لیست بیمه را به موقع و کامل رد نمی‌کنند

جلیل که تا همین چند سال پیش به شغل «کوره‌سوزی» مشغول بوده می‌گوید: «زمانی، اربابان یا همان صاحبان کوره‌ها به شهرهای تربت‌حیدریه و تایباد می‌رفتند و به کارگران کوره‌ها شیرینی می‌دادند تا به کسی قول کار ندهند. مثلاً ۲۰۰ هزار تا یک میلیون تومان هدیه می‌دادند تا کارگر به کوره دیگری نرود و برای او کار کند. آن زمان کار زیاد بود و کارگر کم. حالا وضعیت فرق کرده است. خانه‌ها با بتن و آهن ساخته می‌شود و در نتیجه فروش آجر کم شده است. بسیاری از کوره‌ها هم غیرفعال شده و کوره‌های فعال هم جوابگوی این تعداد کارگر نیست. هر روز از تعداد کوره‌های فعال آجرپزی تهران کم می‌شود، اما نه تنها از مسائل و مشکلات آنها کاسته نمی‌شود، بلکه مردمی که اینجا زندگی می‌کنند،

آمده‌اند روبه‌رو می‌شویم که سال‌هاست در این منطقه زندگی می‌کنند. زهرا دختر خانواده در غیاب پدرش می‌گوید: «پدر من ۱۷ سال است که در این کوره نگهداشتن است و کار فصلی ندارد و ما به صورت دائم اینجا ساکن هستیم اما هر کارفرما طبق سلیقه خود دستمزد می‌دهد و بیمه می‌کند. ارباب ما، پدرم را بیمه نمی‌کند، اما ارباب کوره‌ای دیگر از سر دلسوزی دو سالی است که پدرم را به دلیل سابقه کار طولانی بیمه کرده است.»

بیمه کارگران، تکلیف کارفرماست

پایین بودن دستمزد کارگران کوره‌پزخانه، بیمه نبودن اکثر کارگران که به گفته کارفرمایان روزمزد و فصلی هستند و رعایت نکردن قانون کار و چگونگی نظارت بر این کارگاه‌ها سؤالاتی است که در حوزه اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران است. حامد ویس کرمی، مدیرکل اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران در گفت‌وگو با آتی‌نو در خصوص نظارت بر کارفرمایان و کارگران می‌گوید: «طبق ماده (۱۴۸) قانون کار، کارفرمایان کارگاه‌ها مکلفند نسبت به بیمه کارگران اقدام و سهم بیمه کارگران را به حساب تأمین اجتماعی واریز کنند. در این زمینه بازرسان کار اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران به طور مداوم و دوره‌ای از کارگاه‌های تحت شمول بازرسی می‌کنند.»

ویس کرمی در مورد بیمه کارگران کوره‌ها می‌افزاید: «ما در تهران بالغ بر ۲۳۵ هزار کارگاه و تعداد ۵۳ نفر نیروی بازرس کار داریم و از این کارگاه‌های کوره‌پزخانه‌های استان هم بازرسی شده، اما کارگران این کوره‌ها اغلب به صورت فصلی مشغول به کار هستند. ممکن است در زمانی که بازرسی‌ها انجام می‌شود کارگری حضور نداشته باشد، با این حال هم باید به میزان ساعت کاری و کارکردشان از حق بیمه برخوردار باشند و اگر کارفرمایی از بیمه کردن کارگر تخطی کند برابر با ماده (۱۸۳) قانون کار علاوه بر این که مکلف به واریز حق بیمه کارگر به حساب تأمین اجتماعی است، در مراجع قضایی نیز این ترک فعل مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و از ۲ تا ۱۰ برابر حق بیمه هم جریمه خواهد شد. این اقدام به زودی تشدید خواهد شد و سازمان تأمین اجتماعی هم برابر با مواد قانونی خود تکلیف دارد که از واحدهای کارگری فعال بازرسی کند و وضعیت بیمه‌ای آنها را مورد رسیدگی قرار دهد. با تعاملی

دیدگاه



چالش بیمه‌ای کارگران در کوره‌های آجرپزی



روزنامه‌نگار

بر اساس تبصره «یک» ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی، کارگرانی که در مشاغل سخت و زیان‌آور مشغول به کار هستند، با ۲۰ سال سابقه بیمه می‌توانند بازنشسته شوند. کارفرمایان موظف است هنگام بازنشستگی کارگران مشاغل سخت و زیان‌آور، سهم چهار درصدی خود را به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت کند، اما اگر کارفرما از پرداخت سهم خود شانه خالی کند و مسئولیتش را نپذیرد، کارگر در روند بازنشستگی خود با چالش‌های متعددی روبه‌رو می‌شود. در میان کارگران کوره‌پزخانه‌ها نیز آن گروه که به بازنشستگی می‌رسند مجبور به پرداخت سهم چهار درصدی کارفرما می‌شوند. آنها مجبورند مبلغی را از دیگران قرض بگیرند و سهم چهار درصدی خود را پرداخت کنند که اگر این کار را نکنند، باید قید بازنشستگی را بزنند.

طبق ماده (۱۴۸) قانون کار نیز کارفرمایان مکلفند بر اساس قانون تأمین اجتماعی، نسبت به بیمه کردن کارگران واحد خود اقدام کنند. در بیشتر کوره‌پزخانه‌ها، با وجود کسر هفت درصدی حق بیمه از حقوق کارگران، نام آنها به تأمین اجتماعی گزارش نمی‌شود.

این ماده به صراحت کارفرما را مکلف کرده تا «همه» کارگرانش را تحت پوشش بیمه قرار دهد، اما در فصل «قالب‌زنی» که کارگران به صورت خانوادگی کار می‌کنند، برخی کارفرمایان در ظاهر تخلفی بابت بیمه کارگران مرتکب نمی‌شوند، در واقع جرم بزرگتری را مرتکب می‌شوند. به این ترتیب که با بیمه کردن سرپرست خانواده، سایر اعضا که خود کارگران مستقلی هستند را تحت تکفل سرپرست قرار می‌دهند. به این ترتیب هیچ‌کدام از مواد قانون کار مشمول حال سایر کارگران نمی‌شود. به طور مثال، زن کارگری که تحت تکفل شوهرش است، در صورت زایمان، نمی‌تواند از ماده (۷۶) قانون کار – که به او اجازه می‌دهد ۹۰ روز مرخصی با حقوق را دریافت دارد – استفاده کند. طبیعی است این کارگران امیدی به بازنشستگی نیز نخواهند داشت، اما در عین حال هفت درصد از دستمزدشان بابت حق بیمه کسر می‌شود!

فصلی بودن ماهیت شغلی کارگران کوره‌پزخانه‌ها موجب شده که مشمول حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار نیز نشوند. به همین دلیل، میزان اندکی از افزایش سالیانه حداقل دستمزد به عنوان مزد آنها تعریف می‌شود و این مبلغ اغلب توافقی بین کارگر و کارفرماست.

در بین این دسته از کارگران، کارگرانی هستند که ۳۰ سال سابقه کار دارند، اما سابقه پرداخت بیمه آنها تنها ۱۰ سال است؛ کارگرانی ۳۰ روز در ماه کار می‌کنند اما پنج روز کار برایشان در نظر گرفته می‌شود. کارگران قالب‌دار نیز در بهترین حالت چهار ماه از سال توسط کارفرما بیمه می‌شوند و اکثراً به صورت فصلی کار می‌کنند و در صورت بیکار شدن از بیمه بیکاری محرومند. طبق قانون بیمه بیکاری، کارگرانی می‌توانند از خدمات بیمه بیکاری استفاده کنند که حداقل شش ماه سابقه مستمر پرداخت بیمه در یک واحد صنفی یا تولیدی را داشته باشند.

بی‌خبری اغلب این کارگران و ناآگاهی بی‌سوادی آنان از وضعیت پرداخت بیمه آنها را با مشکلات زیادی مواجه می‌کند.

تعطیلی کوره‌پزخانه‌ها، قطع گاز این واحدهای تولیدی و تبعات کسادی بازار ساخت‌وساز کشور و تأثیر این عوامل بر تولید آجر کشور موجب بیکاری چند هزار کارگر فصلی و دائمی به صورت مستقیم و غیرمستقیم در واحدهای تولید آجر شده که از حمایت ناقص همیسن کارفرمایان نیز محروم می‌شوند. حقیقت این است کارفرمایان این حوزه نیز از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه محسوب می‌شوند و به حمایت نیاز دارند. آنها نمی‌توانند از کارگران خود حمایت کنند و در این بین کارگران شاغل در کوره‌ها، به معنای واقعی فقیر هستند و به کمک‌های معیشتی و رفاهی نیاز دارند.